

شیوه انتخاب نمایندگان مجلس و شوراهای باید دموکراتیک باشد

قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا و عهدنامه مودت ایران و شوروی را نمیتوان و نباید در ترازی «موازنه منفی» قرارداد

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۵
چهارشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

- در صفحات بعد:**
- تکیه به قوانین شاه مخلوع با روح انقلاب در تضاد است (صفحه ۲ - ستون سوم)
 - خانه خیابان ۱۶ آذر - شعری از فرهاد ره آور (صفحه ۸ - ستون ششم)
 - یادداشتی بر فیلم «زد» (صفحه ۶ - ستون اول)
 - این برنامه اقتصادی از کجا الهام میگردد (صفحه ۴ - ستون دوم)
 - شکنجه شدهای سخن میگویند (صفحه ۳ - ستون اول)
 - چرا «تهران مصور» جعل میکند (صفحه ۸ - ستون اول)
 - مردم خواستار آزادی سعادتی هستند (صفحه ۷ - ستون پنجم)
 - لاشخورهای سرمایه داری در چین (صفحه ۷ - ستون اول)

وزارت خارجه این دو قرارداد را همانند قراردادهای همگونی بشمار میآورد که یکجا مورد بررسی قرار دارند و یکجا و با هم احتمالاً «لغو» خواهند شد.

قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا مستند است بر تهدید ایران به پذیرش و اجرای مفاد اعلامیه ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸، که در لندن امضاء شده، ماده اول پیمان بندها، که سپس به سفتو تغییر نام داده، و نیز به «قانون امنیت مشترک» و «اصلاحات آن» و «قطعنامه مشترک»، که بموجب آنها رئیس جمهوری آمریکا در سال ۱۹۵۲ اختیاراتی از جمله مداخله نظامی در دیگر کشورها دریافت نموده است.

قرارداد بدینسان هم پیمان سنتو را تقویت و تکمیل میکند و هم دولت ایران را ملزم مینماید

که مداخلات مستقیم نظامی آمریکا را در ایران بپذیرد. این مداخلات نظامی حدودی هم ندارد. هم تحت عنوان «مقابله با تجاوز مستقیم»، یعنی جنگی که فئیله اش را خود آمریکا بتواند با یکی از کشورهای همسایه روشن کند، میتواند انجام گیرد، و هم تحت عنوان «مقابله با تجاوز غیر مستقیم»، که منظور از اصطلاح عجیب تجاوز غیر مستقیم، همان جنبش آزادیبخش ملی مردم ایران است.

بدینسان، به رغم اینکه هنوز اسناد پایه ای قرارداد و نیز ضامنه سری احتمالی آن منتشر نشده، ما متن قراردادی را در برابر خود داریم که بوضوح، نه فقط به دولت ایالات متحده آمریکا حق میدهد که بهر بهانه با ایران ارتش گسیل دارد، بلکه سند استعمار علی ایران است، زیرا طبق آن، اختیارات بقیه در صفحه ۷

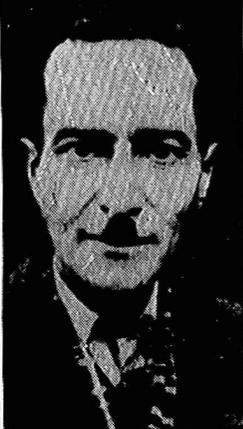
در جلسه بحث و مشورتی که روز پنجشنبه ۷ تیرماه در وزارت خارجه با شرکت نمایندگان از تعدادی از احزاب و گروههای سیاسی تشکیل یافت، متن عهدنامه مودت ۱۹۲۱ منقده بین ایران و اتحاد شوروی و نیز متن قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا منقده در ۱۹۵۹ بین مسدوعین توزیع گردید. اینک هر دو سند مزبور بر انجام در برابر ماست و ما میتوانیم با مطالعه آنها بیشتر از گذشته حیرت کنیم از اینکه

۲۲ سال از شهادت رفیق ابوالفضل فرهی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت.

ستاره‌های دیگر از آسمان پر قهرمان حزب توده ایران...

دو خیمان شاه، ۲۴ سال پیش، با شکنجه‌های سفاکانه، یکی دیگر از ستارگان آسمان پر قهرمان حزب توده ایران را خاموش کردند. از خون این رفیق، چون دیگر شهدای راه آزادی و استقلال ایران، هزاران مبارز دیگر روئید و سرانجام بساط جلادان را از سر زمین ما جارو کرد.

۲۴ سال پیش، در باسناد چهاردهم تیرماه ۱۳۳۴، در روزگاری که بساط جهنمی سلطنت آریامهر بار دیگر برخاک میهن ما رزمندگان راه رفاهی توده‌ای قهرمان، به جوخه‌های اعدام سپرده میشدند، رفیق ابوالفضل فرهی، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران، بدنیال شکنجه‌های طولانی دو خیمان خاموش شد. با خاموشی رفیق فرهی، یکی دیگر از رزمندگان راه رفاهی طبقه کارگر، یکی از اعضای قدیمی و فعال حزب کمونیست ایران و یکی از رهبران اتحادیه قدیمی قالیبافان



دو خیمان شاه، ۲۴ سال پیش، با شکنجه‌های سفاکانه، یکی دیگر از ستارگان آسمان پر قهرمان حزب توده ایران را خاموش کردند. از خون این رفیق، چون دیگر شهدای راه آزادی و استقلال ایران، هزاران مبارز دیگر روئید و سرانجام بساط جلادان را از سر زمین ما جارو کرد.

خراسان چشم بر حیات فرو بست. رفیق شهید فرهی مبارزات سیاسی را وقتی بسیار جوان بود، در روزگار ننگین سلطنت رضا خان آغاز کرد. در ۱۸ سالگی، او بقیه در صفحه ۷

وحدت عمل نیروها در مقابله با توطئه مشترک امپریالیسم، ضد انقلاب فراری و ضد انقلاب داخلی بزرگترین نیاز لحظه کنونی است

طبقات و اقشار انقلابی در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تأمین وحدت آنهاست. در این باره تمام سازمانهای ملی و مترقی و تمام عناصر انقلابی مسئولیت دارند و باید به مسئولیت خود بندیشند.

در پیوند با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، وظیفه دولت موقت است که به اقدام جدی و مؤثر در راه پاکسازی دستگاه دولتی از عناصر ضد انقلابی دست زند. بطوریکه میدانیم عوامل و کارگران ارتجاعی لاشه‌ها را بر سر گذاشته اند. اینان در پوشش عناصر «انقلابی»، حتی بدرون کمیته‌ها هم راه یافته‌اند. شایه‌پراکنی‌های بی‌شمار، توطئه علیه عناصر انقلابی، جرح و قتل پاسداران پرشور انقلاب، اعمال تأثیر در برخی تصمیم‌های نادرست و نسنجیده که به انقلاب ضربه زد، همه و همه از جانب کارگران داخلی ضد انقلاب است که مؤذنه به ماسک «انقلابی» بر چهره آویخته‌اند. متأسفانه نه تنها تاکنون در زمینه پاکسازی دستگاه دولتی اقدام مؤثری انجام نگرفته بلکه در مواردی، پیچ و مهره‌های رژیم گذشته، «مجریان» طرح‌های انقلابی شده و خود را در درون ماشین انقلاب جای داده‌اند. دولت وظیفه دارد برای دفع خطر از جان انقلاب، تصفیه دامنه‌داری را هر چه زودتر آغاز کند و عناصر مؤثر وابسته به رژیم شاه مخلوع را از ساخت ادارات لشکری و کشوری براند تا این عناصر مخرب نتوانند زمینه فعالیت ضد انقلاب شوند. با کمال تأسف باید گفت که هنوز صحبت از بازسازی برخی از ادارات ساواک در همان است، هم‌اکنون از تضییع اطلاعات در درون ارتش شکوه دارند، کارگران و کارمندان، درجه‌داران و افسران از برخی انتصابات ناراضی‌اند همه اینها نشانه‌ای که بها دادن دولت به ضد انقلاب و تمایل و مسامحه درباره این تالاب عفن است.

در اینجا سخنی با برخی از ارباب مطبوعات هم ضروری است و آن اینکه، مطبوعات دوران انقلاب باید در خدمت وسیع مردم و وحدت عمل نیروها باشند، باید با تمام امکانات به افشای ضد انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های او کمک رسانند، نه آنکه با شاخ و برگ دادن بهر طرف و عمل ضد انقلاب داخلی و خارجی، اخبار «هیجان‌انگیز» تهیه کنند و بفکر بالابردن تیراژ خود باشند. این دومی بی‌تردید بسود دشمنان انقلاب است.

امپریالیسم زخم‌خورد، پیش از پیش احساس درد میکند و در تدارک جبران چیزهایی است که انقلاب ایران از او گرفته است. دست فتنه‌انگیز محافل امپریالیستی، عملاً سیاه، موساد و ساواک و کل‌کل‌گران داخلی و خارجی آنها را میتوان در بیشتر حوادثی که پس از انقلاب در گوشه و کنار کشور ما بوقوع پیوسته و مانع از بازگرداندن وضع عادی به کشور شده است، باز شناخت.

اخیراً خبر گزارها خبر از توطئه سازمان یافته‌ای در خارج از کشور میدهند که ظاهراً قرار است با شرکت عمده‌ای از فرزندان خاندان منفور پهلوی، ژنرال‌های دزد و خائن و آدمکش و جلادان رسوای ساواک از چهار گوشه کشور آغاز شود. فرمانده نظامی ناتو، «ژنرال هایزر» امریکائی نیز، که مشهور و مشارک آخرین روزهای سپاه شاه فراری در ایران بود، مجدداً اظهار وجود کرده و از توانائی آمریکا در استقرار نیروی ضربتی ۱۱۰ هزار نفری خود در خلیج فارس، بمنظور «تثقیب اوضاع» سخن گفته و برای قوت قلب ضد انقلاب و بسیج آن تأکید کرده است که در صورت لزوم نیروی هوائی و دریائی امریکایم به کمک نیروی ضربتی خواهد آمد.

در اینکه امپریالیسم ساکت نمانده و از هیچ‌گونه توطئه و منفسه و تخریک علیه انقلاب مردمی ما باز نماند، نباید حتی لحظه‌ای تردید داشت، در اینکه امپریالیسم جهانخواه میکوشد از تمام سازمانها و مؤسسات جاسوسی خود و کشورهای تحت نفوذش و از همه عوامل زیر فرمانش برای سرکوب هر انقلاب خلقی، در هر گوشه از جهان، و از جمله در کشور ما، توطئه ساز کند، نباید لحظه‌ای دچار تردید شد، و در این امر که ضد انقلاب فراری، به رهبری محمد رضا، برای شرکت در هر منفسه امپریالیستی، با دل و جان آماده است، بازم کمترین شکی روان نیست. اما مسئله اینجاست که آن امپریالیسم توطئه‌گر و این ضد انقلاب فراری، در همساز با هم، تا چه حد در نقشه‌های شیطانی خود علیه آزادی و استقلال میهن ما توفیق خواهند یافت؟ چنانکه بدیهی است، پیروزی یا شکست این دودشمن خطرناک انقلاب ما، منوط به همیشاری نیروهای انقلاب، میزان تشکیل سازمان یافتگی این نیروها و وحدت عملشان در مقابل بادشمن است. هر قدر نیروهای انقلاب متشکل‌تر و سازمان یافته‌تر، هر چه متحد تر و فشرده‌تر عمل کنند، موفق‌تر خواهند بود.

بنابراین نخستین وظیفه، احتراز از تفرقه، شرکت دادن همه

اطلاعه

اخیراً در قه‌ای منتشر شده که طی آن تشکیل «سازمان جوانان کمونیست» با جهان‌بومی «مارکسیسم لنینیسم» و «ایدئولوژی و برنامه حزب توده ایران» در دستان حزب بطور جدی افشاء گردد.

به اطلاع همگان میرساند که این «سازمان» نه فقط با حزب توده ایران

کوچکترین وابستگی ندارد، بلکه توطئه و تخریک جدیدی است علیه حزب توده ایران، که میباید از جانب اعضا، حسوداران و دوستان حزب بطور جدی افشاء گردد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۴/۱۰

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

مردم و مردم

باز هم نامه‌ها و یادداشت‌های متعدد درباره اشتباهات چاپی روزنامه «مردم» دریافت کرده‌ایم. دوستان ما بویژه غلط فاحش صفحه سوم شماره ۲۹، ستون سوم، سطر دهم را خاطر نشان می‌سازند که بجای «مردم» ایستاده «مردم» چاپ شده و البته تمام معناراً عوض کرده است. واضح است که مقصود ضد انقلابی، یا «امپریالیستی» است و باید تصحیح شود.

یك خواننده گرامی نیز با تلقین بار دیگر اشتباه چاپی مربوط به ستون سوم، صفحه سوم، شماره ۲۷، را یادآوری کرده است که بجای «کارتی نگرفته است» متأسفانه چاپ شده بود و گرفته است. بدینوسیله باز تصحیح میشود و از توجه این دوست نیز متذکر می‌شویم. همچنین مطلب و سایر اغلاط را تذکر می‌دهند، سپاسگزاریم و نقای یا چنانچه نیز قبول می‌دهند که کمتی غلط چاپی دیده شود.

دوست عزیزمان دریا، طی نامه‌ای، سوالی مطرح نموده و جواب خواستند. در پاسخ این دوست باید بگوئیم که پاسخ سوال اول شما مثبت، ولی پاسخ سوال دوم منفی است. لطفاً بدقت «مردم» خیا بان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، مراجعه کنید.

دوستی که متذکر است «مردم» هر روز برادری از روز قبل به مردم عرضه میشود. ایراد و سوالی دارد در مورد پاسخی که در یکی از شماره‌های قبل مسئله اعتصاب کارگران نفت در سال ۲۵ داده‌ایم چون لنت ششوی را بطور عام بکار برده‌ایم (دهمین در کتاب تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران، اثر رفیق تمهیدآمیزش، نیز همین لنت بکارفته) این تصور توهم حاصل شده است که همه ششوی قبایل منطقه خوزستان را بیک چوب رانده‌ایم.

البته همانطور که نویسنده نامه بدینسان نگاشته است، مقصود فقط آن ششوی است که در تحریک آجان، عامل انگلیس بودند و در سر کوب نهضت کارگری و اعتصابات شرکت داشتند. واضح است که ششوی که چنین روش‌طرز عملی نداشته‌اند، مورد نظر نبوده و نمیتوانست مورد نظر باشد. مقصود واقعاً همان ششوی است که در شرکت نفت انگلیس و اعتصابات و سندیکاهای آن بوده‌اند و هر گونه خلط محیط و منطقه‌ای، بقول نویسنده نامه، لنت بازی یا بازی با لنت، بمنظور گمراه کردن آذغان و ایجاد مسئله است، آنجا که اصلاً مسئله‌ای وجود ندارد.

دوستی که این نامه را نوشته تصحیح میکند که بعضی از ششوی در آلمان مخالف حرکت ضد انقلابی و ارتجاعی بودند و افرادی که در جریان اعتصابات بوده‌اند، می‌گویند که تمام ششوی شرکت داشتند. چند کتاب نامبرده در «مردم» در پاسخ به انضیاق عبارت و اجتماعی جریان استقلال و بحث بنویسید است که منظور نامه است خواننده ما نوشته، و امیدواریم که با این توضیح هر گونه ابهامی از بین برود، اگرچه آنرا هم با همی نبود.

نامه دوستی که، این ایراد را سوال را نوشته، با جملاتی تمام میشود که ما نیز آنرا نقل نمی‌کنیم، زیرا که اصل موضوع را نمی‌توانیم بگوئیم. «پیر و زباد مبارزه شده امپریالیستی خلفای ایران، پیر و زباد جبهه متحد خلق، تنها ضامن انقلاب ملی و دمکراتیک» در پایان این ستون ویژه نامه‌های واصله، قلمه شری را که «احد» از پشت برای اساف ستاده وزیر عنوان «بزرگان پنج همدای زندان» شری باقی رشت، در ۲۳ اردیبهشت، سروده شده، چاپ نمی‌کند.

آزاد می‌دهیم، فریاد می‌کشیم، ای دوستان خلق رزمندگان جنبش پیروز توده‌ها پویندگان راه جبهگان پاکباز کسی جاودانه نیست، شهید است جاودان.

اینجا که خفته‌اند رفیقان راستین، اینجا که خفته‌اند شهدای راه حق، اینجا مزار نیست، اینجا مکتبی ز نامی حزب ما اینجا سرای عشق و مکان امیدهاست اینجا مکان عشق و امید و نیازهاست الهام بخش ماست «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بمشق»

الف - معصلح، نامه شما رسید. درباره نکته اول اشتباه تکنیک و امکان حدیث که شنبه مربوط به یازدهم کار خود را انجام دهد. روش شما در زمینه بی‌بردن به خط مشی آزادی روزنامه کارگان و فعالیت و تبلیغ در این جهت درست است و مسلماً با نهایت علاقه و آشنایی ادامه خواهد داشت. درباره نکته دوم، برعکس تصور شما، تمام کنش‌های مالی که به حزب می‌رسد، در کارگزاران مرکزی درج نمی‌گردد، بلکه فقط آنرا قلمی ذکر میشود که کمک دهنده خود صراحتاً قلمی کند که مایل به اعلام آن در «مردم» است. و در دینک قلمی قلم شما هم چنین جزئیات نشود و با این حالت برای مشکوک شدن وجود ندارد. تصمیم خودتان را درباره پرداخت مرتب ما به این ده هزار ریال، می‌توانید همان ترتیب با اطمینان کامل یا اینکه به صندوق خواهد رسید، ادامه دهید. موفقیت شما را آرزو می‌کنیم.

تکیه به قوانین رژیم شاه مخلوع با روح انقلاب در تضاد است

بخشنامه‌ای که دادستان تهران در مورد مطبوعات صادر و در روزنامه‌ها منتشر شد، شگفتی تمام علاقمندان صادق به سر نوشت انقلاب بزرگ ایران و آزادی مطبوعات را در دو زمینه برانگیخته است.

نکته نخست مربوط است به اساس برخورد دادستان تهران به قانون. استناد ایشان بقانون رژیم شاه مخلوع در سال ۱۳۳۴، با روح انقلاب بزرگ همه خلقی ما مغایرت تام دارد و با آن در تضاد کامل قرار می‌گیرد.

وقتی يك نظام فاسد جا بر وجه تجاوز از طریق انقلاب سرنگون می‌گردد، مفهوم ضمنی آن اینست که تمام قوانین و نظامات رژیم سابق شده، از درجه اعتبار ساقط است و استناد با آنها، صرف نظر از توجه یا عدم توجه شخص استناد کننده، عملی است ضد انقلابی.

مراجعه با آراء عمومی در مورد رژیم سیاسی ایران و اینکه بیش از ۹۸ درصد رأی دهندگان به جمهوری اسلامی رأی دادند، بخودی خود مفهوم جرسخ کامل قوانین و مصوبات رژیم سابق شده پهلوی را ندارد. علاوه بر این، قوانین عادی در تمام دنیا از قانون اساسی در هر رژیمی منبذ می‌گردد. با استقرار دولت مسوق جمهوری اسلامی و مبادرت بتدوین قانون اساسی نوین، پس قانون اساسی «سلطنت مشروطه» خط بطلان کشیده شده و بسیار شگفت‌انگیز است که ما قانون اساسی گذشته را مملی شده بدیده‌ایم، اما بقوانینی که از آن منبذ می‌شود، بپسیمی و بان استناد کنیم.

بنیان گزاران دولت پروردگان و عاملین اصلی رژیم متغور سلطنتی بنگانه اقدام بر علیه حقوق اساسی مردم در دادگاه انقلابی برای میز محاسبه بوده، و بعنوان مقصدین فی الارض، که عنوان رسالی برای آنها بوده است، بدست مجازات سپرده شده‌اند. نمایندگان مجلس منحل شده، بملت آنکه دستیار رژیم سابق بوده و قوانین ضد ملی را بسود يك رژیم سرسپرده بقصدتهای امپریالیستی تصویب کرده‌اند، مجرم شناخته شده‌اند و با آنها، یعنی به واسطه قوانین دوران استبداد پهلوی، ابلاغ شده است که باید تمام پهلوانی را که از بیت‌المال مردم بیجهت زده‌اند، بدولت وقت جمهوری اسلامی مسترد دارند. شگفتی در همین است که مصوبین قوانین گذشته، بر حسب اصول و موازین انقلابی، مجرم شناخته می‌شوند، اما آقای دادستان مصوبات آنها را هنوز برسمیت می‌شناسد.

بنیان گزاران دولت پروردگان و عاملین اصلی رژیم متغور سلطنتی بنگانه اقدام بر علیه حقوق اساسی مردم در دادگاه انقلابی برای میز محاسبه بوده، و بعنوان مقصدین فی الارض، که عنوان رسالی برای آنها بوده است، بدست مجازات سپرده شده‌اند. نمایندگان مجلس منحل شده، بملت آنکه دستیار رژیم سابق بوده و قوانین ضد ملی را بسود يك رژیم سرسپرده بقصدتهای امپریالیستی تصویب کرده‌اند، مجرم شناخته شده‌اند و با آنها، یعنی به واسطه قوانین دوران استبداد پهلوی، ابلاغ شده است که باید تمام پهلوانی را که از بیت‌المال مردم بیجهت زده‌اند، بدولت وقت جمهوری اسلامی مسترد دارند. شگفتی در همین است که مصوبین قوانین گذشته، بر حسب اصول و موازین انقلابی، مجرم شناخته می‌شوند، اما آقای دادستان مصوبات آنها را هنوز برسمیت می‌شناسد.

شیوه انتخاب نمایندگان مجلس و شوراهای پاینده موکر اتیک باشد

یکی از پیشنهادهای اصلاحی که کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه سرگشاده خود درباره پیش نویس قانون اساسی عرضه داشته است، مربوط میشود به نحوه انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی و نمایندگان شوراهای محلی. در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه گفته میشود:

«کرسیهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آراء مردم بهتر و کاملتر مراعات شده است. از این روست که قانون اساسی ما نیز باید خلقی‌ترین و دمکراتیک ترین نوع را برای نحوه توزیع کرسیها برگزیند و این اصل را در همه سطوح، از مجلس شورای سراسر کشوری گرفته تا شوراهای شهرستان و شهرستان و شهر و ده بکار بندد. هم اکنون نیز که مسئله انتخاب مجلسی برای بررسی قانون اساسی و بحث پیرامون پیش نویس عرضه شده مطرح است، به جز چند تنی که نماینده اقلیتهای مذهبی هستند و مستقیماً توسط آنها، بایام در سطح کشوری، برگزیده خواهند شد، درست‌ترین نحوه کار باز همین است که آراء در سطح کشور گردآوری شود و نمایندگان مجلس بررسی کنند قانون اساسی، بجهان نسبتی که هر حزب و سازمانی در سراسر کشور رای آورده، مطابق با لیستی که هر حزب و سازمان عرضه خواهد داشت، نماینده به آن مجلس فرستند. در این صورت اراده مردم و نظر آنها به نسبت دسترسی در مجلس منعکس خواهد شد و تجزیه و تقسیم آراء بعمل نخواهد آمد. مبارزه پارلمانی یکی از اشکال مبارزه است و هر حزب و سازمان سیاسی جدی باید بتواند این مبارزه را هم انجام دهد، بدون آنکه تمام هویت خود را صرف بدان سازد و یا از آن بشی بسازد و بصورت شکل انحصاری مبارزه در آورد. در ضمن هر حزب جدی سیاسی باید بکوشد که برای این شکل مبارزه، بهترین و مناسبترین چارچوب را بوجود آورد، که در واقع نظر و عقیده اکثریت خلق را بازتاب بخشد. درست بخطر همین برخورد خلی و با مشورت با مواضع کنونی است که حزب توده ایران میکوشد دمکراتیک‌ترین و خلقی‌ترین چارچوب اجرای این حق مسلم مردم را با انتخاب نمایندگان خویش ارائه دهد و بطلبد که در قانون اساسی آینده این چارچوب ملحوظ گردد.

مجلس که موظف است ظرف یکماه پیش نویس قانون اساسی را بررسی کند، با تألیف این پیشنهاد، بر دمکراتیک بودن نظر گاه خویش ویر احترام به نظر و اراده خلق صحه خواهد گذاشت و این آنچه درست است که به مبارزه خلق ما در راه استقلال و آزادی و پیروزی عملی خواهد رساند. بدون تردید است مردم، در مراجعه به آراء عمومی و تعیین تکلیف قانون اساسی، بیک چنین ماده خلقی و دمکراتیکی، با شور بیشتر و مشارکت عملی و خلاق فزونی‌تری رای خواهند داد.

رو نوشت نامه‌ای بدفت «مردم» دیده است از جانب دهقانان روستای موسی کلاهی که با سازمانزدانان دهقانان شاکسی هستند که مالک ده، ۱۵۰ هکتار زمین را در چنگ خود گرفته و با دادن ده هکتار زمین به کدخدایان، اوستاها و غریبه‌ها و بجان مردم انداخته است. مالک من بود بنام عبداللهی، بنوشته‌ایم دهقانان، علاوه بر زمینهای وسیع مزروعی و مکتب خود دهقانان به شغل تجارت و کارخانه‌داری واجاره مستقلان نیز می‌پردازد. دهقانان حق مسلم خود میداند که به زمینهای زراعی متعلق بشودشان باشد، زیرا آنها کار میکنند و زحمت میکنند و محصول و مالکیت نمیتواند و نباید به مال

شکنجه‌شده‌های سخن می‌گویند

نیمه لخت، روی پیکر عریان نختی فلزی که بر کف چاه فرار داشت، دراز کشیدم. سردی چندش آوز نخت آهنی و فترهای لوزی وارث را که سه هم می‌بوسته بودند، روی پوستم احساس کردم. به بالا نگاه می‌کردم. در انتهای دیوارهای بلند چاه، بر سر آن سطاق زده بودند. طاقی که نمیدانم از قشه بود یا چیزی دیگری. آسمان را نمیدیدم. امسا نور شبنمی که از سرپوش می‌گشت، خبر از حضور آفتاب و آسمان میداد. سرپوش شیروانی شکل را با فاصله‌ای کوتاه بر روی پایه‌های برده‌ها چاهی مستطیل، که اشلاش در حدود دومت در دومتونم بود، فرار داده بودند، تا هوای بدون چاه راه یابد.

بدیوار دست کشیدم. سر و صاف و لیز زنده بود. يك دیوار گچی، که ارتعاش بیشتر از نور من بود، ب دیوار آجری میشد و بالا میرفت. چقدر خندمیدم. آنقدر که خیال می‌کردم باصفا زمین فرود رفته‌ای اگر آنجا می‌ساحل سرافرازند، رأی، دل‌های پر مهر خلق، خاک گاه پایدارت شده است. اینجا وزید نگاه باد مهرگان بوده است که عمارت و نامرد را عیان می‌ساخته است.

لایه تهنایی، گل‌سرخ، حکمت‌جو و صدها و صدها مردان مرد، مردان خاق و زنانی سختی خارا و با ستواری پولاد، از اعماق این سهاجیل بوده است که به قلعه انسانیت عروج کرده‌اند. از همین شکنجه‌گاه کمیته. بر میخیزم. «مهرام بروی تخت دراز می‌کنند. می‌گویند، «عریانم کردند، دستهایم را بالا آوردند و به لبه تخت بستند، باهایم را هم به لبه پایینی تخت بستند. حسنی، با آن چهره دیوانه‌اندش، بالاسر ایستاده بود. با اشراقی فلور در دست، کوبیدن گرفت. با هر ضربه می‌گردد. با هر ضربه، کوفتی بند از بندم جدا می‌گذاشتند. آنقدر بر کف پایم کوبید، تا بی‌هوش شده. هوشم آوردند. از شکنجه‌گاه بیرون بردند. در حیاط مدرسه زندان باهایم روم کرده‌ام که به مکتبمان نرفته بود. در حوض آب‌پزنگ آرزو کردند. آنجا، شاق برکت، فرمان دوییدن دادند. با پایهای خسته، سوزان و خونین بدور حوض میدویدم به سهاجیل بسازم آوردند، بستند و زدند. بس آنچه میخواستند، رسیدند. پایی در آب کردن و بدور حوض دوییدن گردش خون‌داندت کرده بود. درد شلاق را افزونتر احساس می‌کردم.

دندانم میداد و میگفت، «مادرت را بیزایت می‌شام. باید بگوئی، من اینجا از تو گندم تراش را «شکستام» آنها وقتی کسی را بحرف می‌آوردند، او را «شکسته» می‌خواندند. اما من هنوز شکسته بودم. گوشه بحرهایش بدختر نبود. مادرم را آوردند. حسنی گفت، «فرزندت را نصیحت کن، جوان است. دلم نماید او را بکش. بگو، بگو، مسا همه چیز را میدانم. اگر گویم، زنده‌اند این در بیرون نمی‌رود.» خاموش شد و در انتظار سخن مادرم ماند. مادر خاموش بود.

سهاجیل فرق در سکوت شکستش بود لحظاتی، کند، دردناک و دیر با بودن. انگار که زمان متوقف شده بود. حسنی گفت، «فرزندت را نصیحت کن، جوان است. دلم نماید او را بکش. بگو، بگو، مسا همه چیز را میدانم. اگر گویم، زنده‌اند این در بیرون نمی‌رود.» خاموش شد و در انتظار سخن مادرم ماند. مادر خاموش بود.

سهاجیل فریاد می‌کردم که گفتم دیوار از این جنبش ترکید. اما این نخستین بار نبود که دیوارهای این سهاجیل فریادهای درد و خشم را می‌کند، بودند، بی آنکه حتی صدایی با نسوی دیوار نشنیده کرده باشد. سهاجیل در وسط ساختمان زندان بود... نمایانم با ضربه چندم از حال رفتم. چون هوش آمدم، چشمانم را گشودم. منگه بودم. تمام بدنم می‌سوخت. باهایم ذق ذق می‌کرد. در نوربزمق

سهاجیل فریاد می‌کردم که گفتم دیوار از این جنبش ترکید. اما این نخستین بار نبود که دیوارهای این سهاجیل فریادهای درد و خشم را می‌کند، بودند، بی آنکه حتی صدایی با نسوی دیوار نشنیده کرده باشد. سهاجیل در وسط ساختمان زندان بود... نمایانم با ضربه چندم از حال رفتم. چون هوش آمدم، چشمانم را گشودم. منگه بودم. تمام بدنم می‌سوخت. باهایم ذق ذق می‌کرد. در نوربزمق

تدارک توطئه علیه سفارتخانه‌های کشورهای سوسیالیستی در تهران

طبق اطلاع موثقی که بدست آورده‌ایم محافل افراطی راست و گروه‌های ما نئوفاشیستی قصد دارند تحریکاتی را علیه سفارتخانه‌های کشورهای سوسیالیستی در تهران برآوردند. از قرار برخی از مقامات مسئول دولتی نیز از این توطئه پشتیبانی میکنند. لازم به تأکید نیست که چنین تحریکاتی فقط بسود ضد انقلاب است و دولت موقت و کمیته امام مؤلفند که این توطئه را افشاء و خنثی کنند.

حمله به کتابفروشی‌ها در ساری

ظهور روز ۱۳۵۸ در عده‌ای از دیپلمه‌های بیکار در برابر استنادی گرد آمدند و خواستهای خود را مطرح ساختند ولی بتوافق نرسیدند.

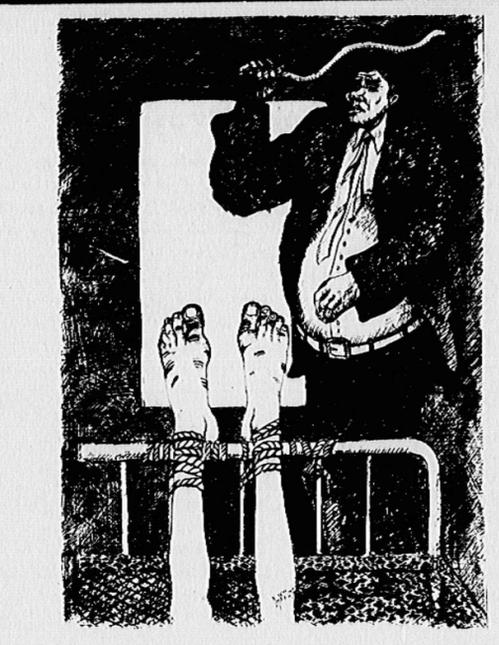
بعد از ظهر بین این عده و گروهی دیگر درگیری پیش آمد که منجر به تیراندازی گردید. سپس عده‌ای با شماره‌های ضد کمونیستی به کتابفروشی‌های کتاب خان حمله بردند و کتابها را پاره و مجازات نمایند.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- پیام کارگر از مشهد ۱۰۰۰۰۰ ریال
ا.ج. از آلمان فدرال ۲۶۰۰۰
صالح شهید از بایلسر ۲۷۰۰۰
کرده آردر ۱۲۵۰۰
مراد ۱۰۵۰۰
علی، ع. ۶۰۰۰
ی.ع. عطا از گرگان ۲۰۰۰
احمد رودری ۱۰۰۰۰
حسن و صدی ۴۰۰۰
۱۴/۲۰ از اسفهان ۱۰۰۰
۱۴/۱۴ از اسفهان ۱۰۰۰
خانم عشقی از قومن ۵۰۰۰
ملائی از قومن ۵۰۰۰
گروه وفاداران حزب توده ایران ۱۰۰۰۰
سپهاله ۲۰۰۰
محرمی ۲۰۰۰
شیخ محمد ۵۰۰
۱۴ از اسفهان ۱۰۰۰۰
۱۴/۲۰ ۱۴۰۰۰
۱۴/۵ ۱۰۰۰
۱۴/۱۷ ۱۰۰۰۰
علی سر بلندی ۱۰۴۰
مارک آلمان فدرال ۳۳۳۰
واحد حزبی آخن ۳۳۳۰
مارک آلمان فدرال ۲۵۲۰
واحد حزبی کلن ۲۵۲۰
مارک آلمان فدرال ۲۰۰۰/۰۰۰
فرزینی ۳۰۰۰
واطان ۳۰۰۰

تحصن نامحدود رانندگان شرکت کا، تی، تی

رانندگان شرکت حمل و نقل کا، تی، تی در کمان، که بیکار بملت عدم توجه به سوساهاست بملت سه روز در محل استنادی تحسن اختیار کرده و سپس در روز ۲۶ خرداد در دست ۲۴ ساعت اعتصاب خرداود کردند. از روزی غداي خفك اعلام نمودند، از روز ۲۷ خرداد دست به تحصن نامحدود زدند.



جراح شیخ زنی را دیدم که خاموش در کنار ایستاده بود. رؤیا بود یا بیداری؟ تردیدم بدرازا کشید. شکنجه گر گفتم، «اینو می‌شناسی؟ زنته» لرزیدم. نگاه کارنده‌ای به زن افکندم. خودش بود. همسر. باز صدای شکنجه گر بلند شد، «بختون رحم نمی‌کنی، به زنت رحم کن.» سپس روی به همسرت کرد و گفت، «اگر هوشم داشته باشه، باید تورو از این مصیبت نجات بده. بهش بگو که حرف بزنه.» همسر خاموش بود. مثل سنگ بیدماد و بی جنبش. ناگهان فریاد شکنجه گر بهوارفت، «زنتکه پتیاره، حرف بز، حالا بهت نشون میدم باکی طرفی.»

مرا از تخت باز کردند. به کبخی خزیدم. زانوهایم را در رنبل گرفتند تا کف پایم بر زمین نیاید. همسر را روی تخت خوابانده‌اند. دستهایش را بستند. بعد نوبت پاهای رسید. آنها را هم بستند. همسر خاموش بود. اشک از چشماش فرود می‌ریخت. شکنجه کردست ناگهان و شلاق در فرود آورد. سهاجیل ساکت بود. صدای نفس تشنگی که گرا می‌شنیدم. وشگفتنا که از نم صدایی بر نمی‌آمد. شاید بی‌هوش شده. شاید قلبش از حرکت ایستاده و شاید... امکان حسنی و گمان فراوان نبود.

بالاخره زنه را از تخت باز کردند. از لبهایم هم خون جاری بود. هنوز هم زیر خط لبش جای زخمی به چشم می‌خورد. خوش می‌گویند، «نرسیدم شل شوم و فریاد کنم. برای آنکه صدای ناله مرا نشنوندند، دندان روی لب گذاشتی و فریاد می‌دانی، دندان است و گوشش. وقتی سخت فشار دهم فرود می‌رود. اما در برابر آنها حتی ناله هم نکردم.» یازده روزم را شکنجه کردند بعد نوبت دادگاه رسید و محکومیت به حبس ابد. چهار سال در زندان بودم. تا مردم بها خاستند و آزادیمان کردند و بقیه قضایا را خودت میدانی.

از سهاجیل بیرون آمدم. از چند در آهنی گذشتم. اما در برابر آنها حتی ناله هم نکردم. ساختمانی دو طبقه داشت، ایستاد، اشاره به حوض آب‌پزنگ کردی، کوسط حیاط فرار داشت، کرد و گفت، «این‌ها هم حوض است.» حوض سرین از آب آرام و زلال بود.

رانندگان شرکت حمل و نقل کا، تی، تی در کمان، که بیکار بملت عدم توجه به سوساهاست بملت سه روز در محل استنادی تحسن اختیار کرده و سپس در روز ۲۶ خرداد در دست ۲۴ ساعت اعتصاب خرداود کردند. از روزی غداي خفك اعلام نمودند، از روز ۲۷ خرداد دست به تحصن نامحدود زدند.

دست مالکان بزرگ از اراضی زراعی کوتاه

کسی دیگری باشد. عامل مالک بزرگ نیز که در طول انقلاب، بنوشته دهقانان، میکوشد، مانع مبارزه دهقان شود و از رژیم شاه مخلوع پشتیبانی می‌کند. الان جاه‌آزیزین روستا را در تصاحب کرده و برای مرعوب ساختن دهقانان، در شب سفینه ۲۲ خرداد، انبار یکی از دهقانان را با آتش کشید. اهالی ده مزبور، بر فرمانداری قلمشهر مراجعه کرده‌اند، ولی در آنها از حقوق مستضمین ده، که همین روستائیان زحمتکش هستند، حمایت نمی‌شود و از مسالك و مالکیت غارتگرانه او پشتیبانی میشود. دهقانان مسرا نه می‌طلبند که زمینهای مالک تقسیم شود و حق بقواد برسد.

چرا نتیجه تحقیقات درباره شبکه های تروریستی از مردم پنهان مانده است؟

ترورهای که در ماههای اخیر، یکی پس از دیگری، بدست ضدانقلاب انجام شد، این توقع بجای آورد که مراجع تحقیق شتابان دست بکار شوند، جای پای عاملان این ترورهای خانمانه را شناسایی کنند، دستهای چتایستکار را ازهر آستین که بیرون آمده باشند، قطع سازند و نتیجه را در معرض افکار عمومی قرار دهند. ولی با تأمل باید افزود که این انتظار بجای مردم برآورده نشد. وقتی سیهید شهید قره‌نی، روز روشن در خانه اش ترور شد، پس از چند روز مقامات تحقیق اعلام کردند که عاملان ترور شناسایی شدند و بزودی جریان امر باطلاح همگان خواهد رسید. هنوز ممای ترور سیهید قره‌نی برای مردم باز نشده بود که

آیت‌اله مطهری آماج سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت و شهید شد. این‌بار نیز مراجع مربوطه اعلام کردند که عاملان ترور شناخته شده‌اند و بزودی نتیجه تحقیقات در دسترس مردم قرار خواهد گرفت. اما تا به امروز جریان همچنان در حاله‌ای ازابهام باقی مانده است. سومین سوء قصد علیه جان حجت‌الاسلام رفیعی انجام شد که با آنکه گفته شد یکی از سوء قصد کنندگان مجروح و شماره اتومبیل آنها نیز مشخص است هنوز از چگونگی این ماجرا و اینکه چه کسانی دست اندرکار بوده‌اند، کمترین اطلاعی بر مردم داده نشده است.

مردم بحق انتظار دارند، در شرایطی که ضد انقلاب، این دشمنان پلید و بلشت راه به‌روزی میهن ما، انقلاب ما را آماج ضربات گوناگون خود قرار داده، چون دزدان در کمین ربه‌دون دستاوردهای ارزنده آند، ضد انقلاب باید بمحض شناسایی، بر ملا شود، رد آن مردم نشان داده شود، تا مردم آغاز وست حرکت خود را برای سرکوب ضد انقلاب دقیق و بی ابهام انتخاب کنند و در تشخیص جهت صحیح مبارزه دچار سردرگمی نشوند.

مردم همچنانکه پاسداران واقعی انقلاب‌اند، محرم و همراه انقلاب نیز هستند. نباید در پیوند با فالیست ضد انقلاب چیزی از مردم پنهان بماند. زیرا مردم هستند که بمثل ارتش پسرشور انقلاب باید سرانجام راه را بر ضدانقلاب سد کنند و انقلاب را در شاهره به‌روزی

خانه خیابان شانزده آذر

کندوی آدمیت
آشیانه رستگاری
ستاد کار.

جزیره گل
در اقیانوس تهران
که جوانی
پاشش میدهد
کمال بر آن چتر میکشاید.

دختر مراقب
چاپکست
پسر نگهبان کاری
و هر دو یک گل بردهان میبرند
لبخند.

دوراها تنها نیستی
چراکه شهدا
از سینۀ دیوارها
ترا
تاراهی دورتر از اطاق دلخواه نیز
دنبال میکنند.

زردخانه اندیشه.
صرافخانه سخن.
کارآوران،
باچه وسواسی به‌الماس
تراش و برش مناسب میدهند
تامانده کلام
عمل آید.

اینجا
ترکش تاریخ است و
آزمایشگاه آرزو
سنگر محنت کشان
وباغ همه میوه‌های ما.

قلب حیات در اینجا
تندتر می‌تپد
گرچه در احتیاطی ناگفته
ضرب هیاهوها
گرفته میشود
که دانش را همواره
گهواره‌ای از سکوت رشد میدهد
و صدائی اگر هست
از بوسه‌ای است بروی نورسیدگان
پازنک تلفنی
که اعلام یامداد میکند.
بر سر راه فردا
در «شانزده آذر» خانه است
پایگاه بویندگان به‌روزی
زائران امید
و میعادگاه غربان زمین.

فرهاد ده آذر
تیرماه ۱۳۵۸

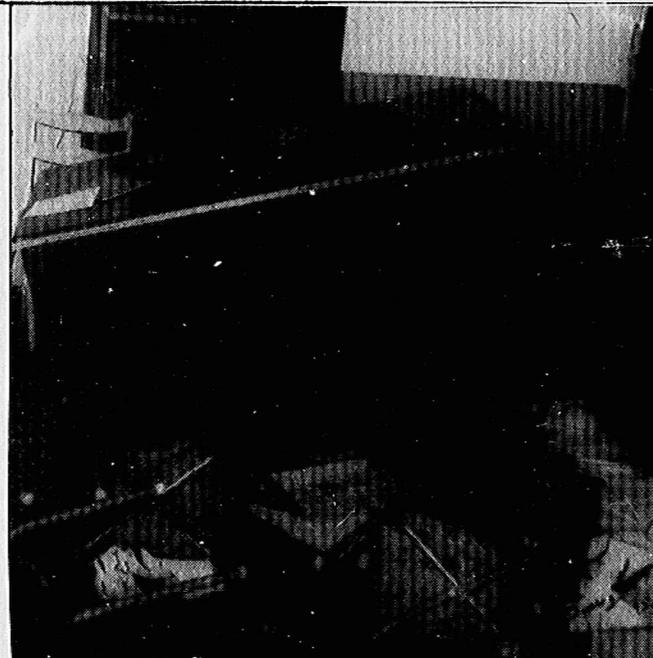
پیروزی رفقای حزبی در رشت، شکست توطئه ننگین

خبر پیروزی عده‌ای از عناصر مشکوک را به ساختمان سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان، در شماره ۳۲ «مردم» خواندند. این توطئه ننگین از جانب کسانی که ابتدائی‌ترین موازین زندگی دمکراتیک را با هو و جنجال لگندمال میکنند، بهمت مسرود آزاده رشت و مبارزه رفقای حزبی مادر منطقه عقیم ماند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان طی اعلامیه‌ای خاطر نشان ساخت که ضدانقلاب، با هر ماسکی که ظاهر گردد، در جو انقلابی ایران محکوم بشکست است و چون با افترا و تهمت به حزب توده ایران نمیتواند کاری انجام دهد، دست به توطئه و خرابکاری میزند. آنهایی که پوسته‌های شهدا و سرداران حزب را، که زیر رگبارهای استبداد جان سپرده بودند، پاره کرده و میزها و کتابها را بهم ریختند و تابلوی سازمان ایالتی حزب را پاره کردند، عده‌ای از عناصر مشکوک بودند که با چماق و چاقو افراد را تهدید می‌کردند. سازمان ایالتی حزب با اعلام کرد که این افراد هدفی جز افتشاش و بدنام کردن سران انقلاب ندارند. سازمان ایالتی بشدت توطئه عناصر مشکوک را محکوم نموده و خواسته است که همه نیرو-های مترقی گیلان در جبهه متحدی گرد آیند و به فرست طلبان و تفرقه افکنان، که مجهز به لباسهای رنگارنگ اند، اجازه اخلاص ندهند.

اما عناصر مشکوک البته با برخورداری از حمایت منابع تحریک و توطئه مجدداً بدقت سازمان آمدند، باین قصد که وضع را بهم بریزند و احتمالاً درگیری ایجاد کنند. ولی هشیاری رفقای حاضر که با یکایک گروه ۷۰-۸۰ نفری مهاجمین شروع به صحبت کردند، جلوی آنها را گرفت. روز بعد بازم توطئه ادامه یافت و این بار بشکل یک تابلوی بزرگ، با مطالبی پیرامون «خیاتهای حزب» (۱)، که به در دفتر سازمان چسبانیده شد، حمله دیگر آن بود که ۳-۴ جعبه فوتبال دستی در اطراف دفتر گذاشتند و بچه‌های محل را برای بازی جمع کردند، باین امید که مزاحمت ایجاد کنند.

اما این حمله‌ها رارفاقا یکی پس از دیگری درهم شکستند و خوشبختانه کمیته محل نیز با همکاری و تقاضای ما با این مسئله برخورد کرد. صبح روز بعد از حمله شبانه، از طرف کمیته برای بررسی وضع به دفتر سازمان ایالتی گیلان آمدند و از اینکه چنین پیشامدی بوقوع پیوسته، ابراز تأسف کردند و قول دادند که مسببین حادثه را پیدا خواهند کرد و اطمینان دادند که از وقوع مجدد اینگونه حوادث جلوگیری خواهد شد. البته یک نفر هم که در حادثه حمله شرکت داشت



آثار حمله عناصر مشکوک به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان

از طرف کمیته دستگیر شد، ولی چون خودش آلت دست بود دستگیریش مسئله‌ای را حل نمیکرد، آزادش کردند. سازمان ایالتی گیلان باتکیه به فعالیت رفقا و حمایت هواداران و همبستگی مردم و پشتیبانی کمیته توانست بر این توطئه غلبه کند و علیرغم تمام تهدیدهای عناصر مشکوک، تابلوی سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان باردیگر برافراشته شد.

مردم می‌طلبند که تداوم یافتن توطئه علیه عناصر مشکوک اتخاذ شود و به‌گروهی خرابکار تحریک شده، که منطقی جز چاقو و چماق نمی‌شناسند، اجازه داده نشود که «بمهای انقلاب ما را لکه‌دار کنند.

خوانندگان گرامی بیاد دارند که رفیق کهنودی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پاسخی که به اتهامات آقای دکتر کریم سنجابی داد («مردم» ، شماره ۲۶ مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۸) ضمناً متذکر شد که آقای سنجابی طبق اسناد غیر قابل انکار ، تا آستانه انقلاب ، طرفدار سلطنت مشروطه بوده‌اند.

مجله تهران‌مصور در شماره ۲۳، مورخ ۸ تیر ۱۳۵۸، در برابر این واقعیت، بدفاع غیر مستقیم از آقای سنجابی پرداخته و این دفاع را، طبق معمول خود، با اتهام به حزب توده ایران انجام داده است، به این معنی که خواسته است اینطور وانمود کند که حزب توده ایران هم طرفدار سلطنت مشروطه بوده است. و چون چنین اتهامی بکلی بی‌پایه است، تهران‌مصور ، بازم طبق معمول خود، دست به جعل برضد حزب توده ایران زده است.

تهران‌مصور، اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورخ ۱۶ آبان ۱۳۵۷، را چنین نقل کرده است، «به نظر ما هدف جبهه ضد دیکتاتوری عبارتست از سرنگون کردن رژیم استبدادی محمد رضا شاه، برچیدن بساط سلطنت و... شکل حکومتی آن دولت ائتلاف ملی جمهوری است، ولی... اگر سایر نیروهای ضد استبداد درون این ائتلاف موافق نظام سلطنت باشند البته حزب توده ... نظر خود را بردیکران تحمیل نخواهد کرد.» (نقله‌گذارها از تهران‌مصور است).

و اما در اعلامیه ۱۶ آبان ۱۳۵۷ کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه چنین آمده است،

چرا «تهران‌مصور» جعل میکند؟

«حزب توده ایران نخستین نیروی سیاسی است که در اعلامیه ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود، راه برون رفت از بحران سیاسی همه‌جانبه کنونی را با طرح یک برنامه مشخص برای جبهه ضد دیکتاتوری پیش کشید. در این اعلامیه گفته میشد که به نظر ما هدف اساسی جبهه ضد دیکتاتوری عبارتست از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه ، برچیدن بساط سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نمایندگان نیروهای ضد استبداد، که در راه تأمین استقلال ملی، آزادیهای دمکراتیک و سالیسازای اقتصاد و بهبود زندگی مردم گام بر میدارند و تأکید کرد بنظر حزب توده ایران شکل چنین حکومتی جمهوری است.»

چنانکه ملاحظه میشود، «تهران‌مصور» آشکارا در اعلامیه ۱۶ آبان کمیته مرکزی حزب توده ایران دست به جعل زده است. اینکه چرا «تهران‌مصور» علیه حزب توده ایران دست به جعل میزند، اولاً مربوط به ماهیت گردانندگان مجله‌ای است که مستخدمت به‌رژیم پهلوی و سنت مبارزه با حزب توده ایران را دارد، ولو با توسل به دروغ و جعل. ثانیاً برای بی‌اعتبار کردن حزبی که سیاست اصولی، صحیح و منطقی دارد، چاره‌ای جز توسل به دروغ و جعل نیست.

«اشتباه» تهران‌مصور و نظایر آن فقط در اینست که فکر میکنند با این جعلیات واقعاً میتوانند به هدف شوم و نامیمون خود نائل آیند.

ولسی در این زمینه کافی است که این قبیل کسان، سر بوش دروغگویشان و جا علان‌گدشته را در برابر چشم داشته باشند.